



چرا امام مهدی (عج) خود را اهل امان زمین نامیده اند؟

امام صادق (ع) می فرماید: «لولا الحجة لساخت الارض باهلها» «اگر حجت خدا نبود، مسلماً زمین، ساکنانش را فرو می برد.»

امام صادق (ع) می فرماید: «لولا الحجة لساخت الارض باهلها» «اگر حجت خدا نبود، مسلماً زمین، ساکنانش را فرو می برد.»

خداوند در آیه ۳۳ سوره انفال می فرماید: وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ «ای پیامبر! تا زمانی که تو در میان امت هستی خداوند آنان را عذاب نمی کند.»

در غایه المرام به نقل از مسند احمد بن حنبل به سند خود از علی علیه السلام آورده که فرمود: رسول الله (ص) فرمود: ستارگان برای اهل آسمان امان هستند که اگر ستارگان از بین بروند آنها هم از بین می روند، و خاندان من برای اهل زمین امان هستند، پس اگر اهل بیت من بروند اهل زمین هم می روند (۱)

امام باقر(ع): اگر امام یک ساعت از زمین برداشته شود زمین اهلیش را فرو می برد و اهل خود را همچون دریای خروشان به جوش و خروش در می آورد. (۲)

محمد بن یعقوب به سند خود از وشاء نقل کرده که گفت: از امام رضا(ع) پرسیدم: آیا زمین بی امام می ماند؟ فرمود: نه، عرض کردم: به ما روایت رسیده است که آن بدون امام نمی ماند مگر آنکه خدای عز و جل بر بندگانش خشم کند؟ فرمود: نمی ماند و هنگامیکه بی امام باشد فرو می رود. (۳)

مترجم کتاب الغیبه در ذیل حدیث فوق آورده «اگر فرض شود که روزی حجت از میان مردم برداشته شود معنایش برداشتن تکلیف از مردم است و معنای برداشته شدن تکلیف آن ست که خداوند انقراض نسل بشر را اراده کرده است و این توجیه، اگر چه از نظر عامه مردم قابل قبول است ولی با شناختی عمیقتری توان گفت که مقصود آن است که به یمن وجود امام و ولی کامل است که مردم روی زمین از نعمت حیات و دیگر نعمت های الهی بهره مند می شوند و مثل اولیاء خدا در میان مردم مثل گلهای بوستان است که هزاران بوته گیاه به برکت آنها آبیاری می شوند و همچون کوههای با عظمت اند که موجب استقرار زمین هستند و جعلنا الجبال اوتادا» (۴)

امام صادق (ع) می فرماید: «لولا الحجة لساخت الارض باهلها» «اگر حجت خدا نبود، مسلماً زمین، ساکنانش را فرو می برد.» (۵)

در حدیثی دیگر از ایشان: «اگر زمین بی امام باشد از هم می پاشد.» (۶)

در غایه المرام از جابر جعفی نقل شده که گفت: به حضرت محمد بن علی باقر علیه السلام عرضه داشتم: برای چیست که به پیغمبر و امام احتیاج هست؟ فرمود: برای باقی ماندن جهان بر صلاح خودش، و آنکه خداوند عز و جل در صورتی که پیغمبر یا امام بین اهل زمین باشد، عذاب را از آنان برمی دارد، خداوند عز و جل می فرماید: «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ» (انفال/ ۳۳)؛ و تا وقتی که تو در میان آنهای خداوند آنها را عذاب نمی کند. (۷)

سلیمان از امام صادق(ع) و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام باقر(ع) و آن حضرت از امام زین العابدین نقل می کند که حضرتش فرمودند: «ما اهل بیت پیامبر(ص) پیشوایان امت اسلام، حجت های خدا بر جهانیان، آقای اهل ایمان، پیشوای روسفیدان و سرپرست مؤمنانیم. ما امان برای اهل زمین هستیم، همچنان که ستارگان امان برای اهل آسمانند. ما کسانی هستیم که خدا به واسطه ما آسمان را بر فراز زمین نگه داشت و اهل زمین را از هلاکت نجات بخشیده است. به واسطه ما باران می بارد و رحمت خدا منتشر می شود و زمین برکاتش را بیرون می آورد و اگر نبود در هر عصر و زمانی امامی از ما اهل بیت در زمین، زمین اهلیش را فرو می برد و هلاک می کرد.»

سپس فرمودند: از روزی که خداوند آدم را آفریده زمین از حجت الهی خالی نبوده که یا ظاهر است و مشهور و یا غایب است و [در پرده] مستور، و تا روز قیامت نیز از حجت الهی خالی نخواهد ماند و گرنه خداوند پرستش نمی شود.» (۸)

در فرمایش امام سجاد(ع) پاره‌ای از برکات وجودی ائمه اطهار(ع) بیان شده است که اختصاص به زمان حضور امام(ع) ندارد. زیرا آثار و برکات آن حضرت چنان گسترده است که شامل زمان حضور و غیبت می‌شود.

از جمله اینکه:

الف) اگر امامی از اهل بیت پیامبر (ص) در زمین نباشد، زمین اهلش را نابود می‌کند.

ب) این که خالی نبودن زمین از حجت خدا، یک سنت الهی است که از زمان حضرت آدم(ع) تا قیامت جریان دارد.

ج) این که عبادت خدا در زمین بستگی به وجود حجت خدا دارد.

د) در کلام حضرت به بهره‌مند شدن مردم از وجود امام(ع) در ایام غیبت تصریح شده است. (۹)

در نامه مبارک امام مهدی(عج) به «اسحاق بن یعقوب» [نیز] آمده است که: «... إتی أمان لأهل الأرض، كما أنّ التّجوم امان لأهل السّماء»

«من مایه آرامش و امنیت هستیم، همان‌گونه که ستارگان آسمان، باعث امنیّت آسمانیان هستند.» (۱۰)

با توجه به احادیث فوق، روشن است که وجود امام معصوم در میان جامعه بشری از جهات گوناگون موجب آرامش و امنیت برای ساکنان زمین است که به گوشه‌ای از آن جهات اشاره می‌کنیم:

امنیت فکری و روحی

«امام و حجت بر اساس این که مسئولیت هدایت و ارشاد جامعه را بر عهده دارد، از مرزهای اعتقادی و فکری جامعه اسلامی نگهبانی می‌کند تا مورد هجوم افکار غلط و اعتقادات منحرف دشمنان خدا واقع نشود. در پرتو هدایت و ارشاد حجت خداست که انحرافات فکری و عقیدتی که موجب تزلزل فکری و روحی جامعه است، از بین رفته و امنیت فکری و روحی به وجود می‌آید.

به دست گرفتن زمام امور جامعه

مسئولیت دیگر امام به دست گرفتن زمام امور جامعه است که در صورت فراهم شدن شرایط و امکانات کافی، امام زمام امور را به دست گرفته و قسط و عدالت همگانی را جایگزین بی‌عدالتی‌ها-که نظم و آرامش اجتماعی را بر هم می‌زند-می‌نماید؛ در نتیجه اهل زمین از آرامش و ثبات برخوردار می‌گردند.

اگر می‌بینیم که امام از تصرف ظاهری در اداره امور جهان خودداری می‌کند، به واسطه عدم وجود شرایط و مقدمات لازم است و خودداری از تصرف ظاهری در امور، چیزی نیست که منحصر به حضرت حجت علیه السلام باشد، بلکه امامان پیشین نیز چنین بودند، چنانکه در تاریخ زندگانی حضرت امیر المؤمنین(ع) می‌بینیم که آن حضرت بیش از بیست و پنج سال در امور اجرایی دخالت و تصرف نکردند؛ در عین حال که از اولین لحظه ارتحال پیامبر گرامی اسلام واجد تمام شرایط زعامت جهان بشریت بودند و علاوه بر آن، از طرف خدا و پیامبر نیز به مقام ولایت و امامت بر مردم انتخاب شده بودند، لکن وقتی موضوع غصب خلافت پیش آمد، جامعه اسلامی به واسطه کوتاهی و سهل‌انگاری عده‌ای و نفاق و دشمنی عده‌ای دیگر از برکات وجود امام و رهبری معصوم، محروم ماند.

اگر امروز اجتماع ما از برکات تصرف مستقیم امام و حجت خدا محروم است، نه تنها مربوط به کوتاهی مسلمین صدر اسلام، بلکه به خاطر غفلت‌های جامعه خود ما نیز می‌باشد.

توضیح این که مسئول دخالت نکردن و تصرف نمودن ائمه اطهار(ع) در گذشته و حال، مردمی هستند که از اطاعت پیشوایان راستین اسلام سرباز زدند و به مخالفت با آنان برخاستند. امید است روزی فرا رسد که جامعه اسلامی و مردم جهان به این حقیقت پی‌ببرند که برای دست یافتن به عالی‌ترین مدارج تکامل انسانی، ناگزیرند از انسانی کامل و معصوم که واجد تمام شرایط رهبری در ابعاد مختلف زندگی انسان است، اطاعت و پیروی کنند؛ در این صورت است که زمینه و شرایط برای تصرف مستقیم حجت و ولی خدا فراهم می‌گردد و امام با اذن خداوند متعال ظاهر خواهد گشت و زمین را از عدل و قسط پر کند و

ظلم و بیداد را از بین ببرد، چنانکه امیر المؤمنین (ع) پس از بیست و پنج سال کناره‌گیری از تصرف در امور مسلمانان، بعد از فراهم شدن شرایط، رسماً زمام امور را به دست گرفت و موفق گردید که در این مدت کوتاه زعامت و رهبری خود نمونه‌ای از حکومت قرآن و اسلام را برای همه مسلمانان و حتی برای جهان بشریت ترسیم کند.

مرحوم محقق طوسی در «تجريد الاعتقاد» می‌گوید:

(۱۱) «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه متا»

وجود امام لطف و اتمام حجت بر بندگان است. خداوند به مقتضای حکمت خویش به وسیله انتخاب و نصب امام برای هدایت جامعه بشری، حجت را بر همگان تمام نمود؛

به طوری که آن را نعمت دانسته و اکمال دین را مربوط به آن می‌داند. لذا درباره روز غدیر-روز نصب امام (ع) می‌فرماید:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (مائده/۳)

اما اگر مردم از این نعمت خداوند منتفع نمی‌شوند و امام در امور اجرایی تصرف نمی‌کند، به واسطه سهل‌انگاری و کوتاهی خود آن‌ها است. لذا بر تمام امت اسلام است که از خواب غفلت بیدار شوند و مقدمات حضور امام معصوم را در میان خود به وجود آورند تا از برکات کامل الهی برخوردار گردند.

وجود امام، منشأ خیر و برکت

بر حسب روایات و اخبار، وجود افراد مؤمن در بین مردم، منشأ خیر و برکت و موجب نزول باران و جلب منافع و دفع بسیاری از بلاها و خطرهای جامعه است، چنانکه در تفسیر آیه ۲۵۱ سوره بقره:

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لِيُدْفِعَ بِنِ يَصْلِي مَنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَصْلِي وَ لَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا؛» (۱۲) به درستی که خداوند به واسطه نمازگزاران شیعه، بلا را از کسانی که نماز نمی‌خوانند، دفع می‌کند. زیرا اگر همه شیعیان نماز را ترک کنند، هلاک می‌گردند.

آنگاه حضرت نسبت به سایر احکام، مانند پرداخت زکات و حج گزاردن همین مطلب را می‌فرماید.

واضح است که وقتی وجود افراد مؤمن در اجتماع، چنین برکتی را به همراه داشته باشد، برکات وجود امام معصوم که ولی و حجت خدا بر مردم است، به مراتب بیشتر خواهد بود. زیرا امام و حجت خدا واسطه رسیدن فیض و برکت خداوند متعال به مردم و برطرف کننده بلاها از آنان است. چنانکه امام سجاد (ع) درباره برکات وجودی ائمه اطهار (ع) می‌فرماید:

ما کسانی هستیم که به واسطه ما آسمان برفراز زمین نگهداری شده و زمین از هلاک نمودن اهلس منع گردیده است. (رج به ج ۸)

حضرت در ادامه می‌فرماید:

(۱۳) «و بنا ينزل الغيث و تنشر الرحمة و تخرج برکات الأرض»

در این فراز از بیان امام، به برکاتی دیگر اشاره گردیده و نزول باران و انتشار رحمت خدا و خروج برکات زمین، از آثار وجودی ائمه اطهار (ع) شمرده شده است. این موضوع یک اصل قرآنی است؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ النَّوْءِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ

(اعراف/۹۶) وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ لکن (آن‌ها حق

را) تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

نکته‌ای که از این آیه می‌توان استفاده نمود این است که اهل شهرها و آبادی‌ها، تقوا را رعایت نکردند و حق را نیز انکار و تکذیب نمودند و سزاوار تنبیه و مجازات الهی گردیدند؛ لکن در عین حال مشاهده می‌کنیم که باران رحمت الهی ریزش می‌کند و برکات زمین از دل آن خارج می‌گردد و اهل زمین از آن بهره‌مند می‌شوند و این نمی‌شود مگر به واسطه وجود ائمه اطهار(ع) که مظهر قدس و تقوا و پرهیزکاری در زمین هستند. خداوند نه تنها به خاطر آنان برکاتش را از اهل زمین دریغ نمی‌کند، بلکه بلاها و آفات را نیز به واسطه کرامت و عظمت ائمه اطهار(ع) در پیشگاهش، از اهل زمین برطرف می‌کند و به انسان‌های گنهکار مهلت می‌دهد تا شاید به وسیله توبه و انابه به سوی خدا باز گردند؛ زیرا وجود ائمه معصومین همچون وجود پیامبر سبب خیر و برکت و رفع عذاب از امت است. (۱۴)

منابع:

۱- مکیال المکارم فی فوائد دعا للقاء، ج ۱، ص ۱۷۳ به نقل از بحار ج ۴۴ ص ۲۸۲

۲- غیبت نعمانی، بخش روایات درباره لزوم حجه، ص ۱۵۶

۳- همان

۴- غیبت نعمانی، توضیح مترجم ص ۱۵۶

۵- غیبت نعمانی، بخش روایات درباره لزوم حجه در زمین ص ۱۵۵

۶- اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجه، ص ۳۷۸

۷- مکیال المکارم فی فوائد دعا للقاء، ج ۱، ص ۱۷۵ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۵۶۶ باب ۲۳ ح ۲

۸- کمال الدین، ص ۲۰۷، ح ۲۲

۹- جلوه های پنهانی امام عصر(عج)، حسین علی پور، صص ۶۳-۶۲

۱۰- موعود نامه فرهنگ الفبایی مهدویت مجتبی تونه ای ص ۱۲۰ به نقل از کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵؛ غیبة طوسی، ص ۱۷۷

۱۱- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۸۵

۱۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۱

۱۳- کمال الدین، ص ۲۰۷

۱۴- جلوه های پنهانی امام عصر(عج)، حسین علی پور، صص ۷۱-۶۵